

حرف زائد ندارد ← ثلاثی مجرد ← رَجَعَ - شَغِلَ - فَتَحَ - خَرَجَ ← گروه اول
فعل ماضی «هو»

حرف زائد دارد ← ثلاثی مزید ← اِسْتَرَجَعَ - اِسْتَشْتَلَ - اِنْفَتَحَ - تَخَرَّجَ ← گروه دوم
(سوم شخص مفرد)

باید بدانید که فعل‌های گروه دوم (ثلاثی مزید) دارای ۸ وزن بسیار معروف هستند:

هو اَنْتَ اسم (مفرد)

کاربرد	حروف زائد	مصدر (باب)	امر ماضر	مضارع	ماضی
متعدی کردن	أ	إفعال	أفعلُ	يُفعلُ	أفعلَ
	تکرار عین الفعل	تفعیل	فعلُ	يُفعلُ	فعلَ
بیان مشارکت	الف	مُفاعلة	فاعِلُ	يُفاعِلُ	فاعِلَ
	ت - الف	تفاعِلُ	تفاعِلُ	يَتفاعِلُ	تفاعِلَ
اثرپذیری و لازم کردن	ت - تکرار عین الفعل	تَفَعَّلُ	تَفَعَّلُ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ
	إ - ت	إفتعال	إفْتَعِلُ	يَفْتَعِلُ	إفْتَعِلَ
	إ - ن	إنفعال	إنْفَعِلُ	يَنْفَعِلُ	إنْفَعِلَ
درخواست و طلب	إ - س - ت	إستفعال	إسْتَفْعِلُ	يَسْتَفْعِلُ	إسْتَفْعِلَ

مزید بزبانة حرف واحد

مزید بزبانة حرفین

مزید بزبانة ثلاثة حروف

برای پیدا کردن باب یک فعل کافی است به جای سه حرف اصلی، «ف ع ل» بگذاریم و سپس هرچه بعد از لام الفعل آمد حذف کنیم. اگر فعل مضارع بود حرف اول را تبدیل به «ی» نمائیم و سایر حروف و حرکات را به حال خود می‌گذاریم. توجه داشته باشید اگر فعل مضارع نبود، تغییری در فعل نمی‌دهیم. اگر فعل ماضی بود حرکت آخر فتحه، اگر مضارع بود حرکت حرف آخر ضمه و اگر امر بود حرکت حرف آخر ساکن شود.





البته در صفحات بعدی مشهورترین و پرکاربردترین افعال ثلاثی مزید را برایتان آورده ایم. بهتر است آنها را به خاطر بسپارید.

تمرین (۶): اکتب مصادر الأفعال التالية في الجدول:

فعل	باب	مصدر	فعل	باب	مصدر
تَتَسَاقَطَانِ	تفاعل	تساقطاً	أَذْبَتَ	تفعیل	قَادِيَةٌ
أَحَبُّ	انفعال	وإحباب	تَتَذَكَّرِينَ	تفعل	تَذَكَّرَ
نُشِجِعُ	تفعیل	تشجيع	تُشَاهِدُونَ	مفاعله	مُشَاهِدَةٌ
اِسْتَمِعُوا	افتعال	استماع	لَا تَنْقَطِعُ	انفعال	انقطاع

نکته: اگر به یک ماضی ۵ حرفی یا مصدر ۶ حرفی برخورد کردیم که با **ان** شروع می‌شود به حرف بعدی نگاه کنید.



نکته: اگر فعلی با **است** شروع می‌شود و **س** جزء حروف اصلی آن بود آن فعل از باب استفعال **نیست**.

<p>۲ د خ ل ←</p>	<p>۱ ح د ث ←</p>
<p>دَخَلَ (داخل شد) أَدْخَلَ (وارد کرد- داخل کرد) تَدَخَّلَ (دخالت کرد)</p>	<p>حَدَّثَ (اتفاق افتاد) أَحَدَّثَ (ایجاد کرد) حَدَّثَ (سخن گفت با ...) تَحَدَّثَ (صحبت کرد- سخن گفت)</p>
<p>۴ ج ل س ←</p>	<p>۳ خ ر ج ←</p>
<p>جَلَسَ (نشست) أَجَلَسَ (نشاند) جَالَسَ (همنشینی کرد)</p>	<p>خَرَجَ (خارج شد) أَخْرَجَ (خارج کرد - اخراج کرد) إِسْتَخْرَجَ (استخراج کرد) تَخَرَّجَ (فارغ التحصیل شد)</p>
<p>۶ ع ر ف ←</p>	<p>۵ ع ل م ←</p>
<p>عَرَفَ (شناخت) تَعَرَّفَ عَلَيَّ (شناخت) عَرَفَ (شناساند) تَعَارَفَ (آشنا شد با ...) إِعْتَرَفَ (اعتراف کرد)</p>	<p>عَلِمَ (دانست - فهمید) عَلَّمَ (یاد داد - آموخت به ...) تَعَلَّمَ (یاد گرفت - آموخت)</p>

<p>۱۰ س ل م ←</p>	<p>۹ ق ب ل ←</p>
<p>سَلِمَ (سالم ماند) سَلَّمَ (تسلیم کرد - سلام کرد) سَلَّمَ عَلَيَّ (سلام کرد) اِسْتَلَمَ (دریافت کرد) اِسْتَسَلَّمَ (تسلیم شد) اَسْلَمَ (اسلام آورد)</p>	<p>قَبِلَ (قبول کرد) اَقْبَلَ (جلو آمد - روی آورد) قَبَلَ (بوسید) تَقَبَّلَ (قبول کرد) اِسْتَقْبَلَ (استقبال کرد) قَابَلَ (مقابله کرد) تَقَابَلَ (مواجه شد)</p>
<p>۱۲ ه د ی / ه د ی ←</p>	<p>۱۱ و ص ل ←</p>
<p>هَدَى (هدایت کرد) اِهْتَدَى (هدایت شد) اَهْدَى (هدیه داد) هَدَيْتُ (آرامش داد) تَهْدَيْتُ (آرامش یافت)</p>	<p>وَصَلَ (رسید) اَوْصَلَ (رساند) واصَلَ (ادامه داد) اِتَّصَلَ (تماس گرفت)</p>
<p>۱۴ ک ب ر ←</p>	<p>۱۳ ص د ق ←</p>
<p>كَبِرَ (بزرگ شد) كَبَّرَ (تکبیر گفت) تَكَبَّرَ (تکبر ورزید - مغرور شد) اِسْتَكْبَرَ (استکبار ورزید)</p>	<p>صَدَقَ (راست گفت) صَدَّقَ (باور کرد - تأیید کرد) صَادَقَ (دوستی کرد) تَصَدَّقَ (صدقه داد)</p>

<p>۸ ر ج ع ←</p>	<p>۷ ع م ل ←</p>
<p>رَجَع (برگشت) أَرْجَع (برگرداند) إِسْتَرْجَع (پس گرفت) رَاجَعَ (مراجعه کرد - مرور کرد)</p>	<p>عَمِلَ (کارکرد) عَامَلَ (رفتار کرد) تَعَامَلَ (داد و ستد کرد) إِسْتَعْمَلَ (به کار برد)</p>
<p>۱۰ س ل م ←</p>	<p>۹ ق ب ل ←</p>
<p>سَلِمَ (سالم ماند) سَلَّمَ (تسلیم کرد - سلام کرد) سَلَّمَ عَلَيَّ (سلام کرد) إِسْتَلَمَ (دریافت کرد) إِسْتَسَلَّمَ (تسلیم شد) أَسَلَّمَ (اسلام آورد)</p>	<p>قَبِلَ (قبول کرد) أَقْبَلَ (جلو آمد - روی آورد) قَبِلَ (بوسید) تَقَبَّلَ (قبول کرد) إِسْتَقْبَلَ (استقبال کرد) قَابَلَ (مقابله کرد) تَقَابَلَ (مواجه شد)</p>
<p>۱۲ ه د ی / ه د ئ ←</p>	<p>۱۱ و ص ل ←</p>
<p>هَدَى (هدایت کرد) إِهْتَدَى (هدایت شد) أَهْدَى (هدیه داد) هَدَيْتُ (آرامش داد) تَهْدَيْتُ (آرامش یافت)</p>	<p>وَصَلَ (رسید) أَوْصَلَ (رساند) وَأَصَلَ (ادامه داد) إِتَّصَلَ (تماس گرفت)</p>
<p>۱۴ ک ب ر ←</p>	<p>۱۳ ص د ق ←</p>
<p>كَبَّرَ (بزرگ شد) كَبَّرَ (تکبیر گفت) تَكَبَّرَ (تکبیر ورزید - مغرور شد) إِسْتَكْبَرَ (استکبار ورزید)</p>	<p>صَدَّقَ (راست گفت) صَدَّقَ (باور کرد - تأیید کرد) صَادَقَ (دوستی کرد) تَصَدَّقَ (صدقه داد)</p>

۲. لازم و متعدی

حتماً یادتان هست، در زبان فارسی نیز این مطلب را داشتیم، منظورم بحث «لازم و متعدی» است. به نمودار زیر نگاه کنید:

نیازمند مفعول ← متعدی ← علی نامه را نوشت.	فعل از لحاظ نیاز به مفعول
بی نیاز از مفعول ← لازم ← علی به مدرسه رفت.	

یکی از راه‌های تشخیص فعل لازم از متعدی ترجمهٔ فعل‌ها به فارسی و پرسش دو سؤال «چه چیزی را» و «چه کسی را» می‌باشد که اگر یکی از این دو سؤال پاسخ مناسبی داشته باشد فعل متعدی است.

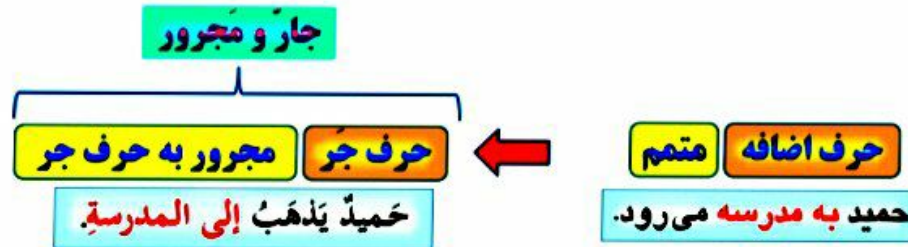
کَتَبَ (نوشت) ← چه چیزی را نوشت؟ ← سؤال درست است ← «کتاب» متعدی است.
جَلَسَ (نشست) ← چه کسی را نشست؟ ← سؤال درست نیست ← «جلس» لازم است.

تمرین (۲۷): عین الافعال اللازمة و المتعدية في العبارات التالية ثم ترجمها:

- ۱) جَلَسَ أعضاء الأسرة أمام التلفاز مُشتاقين!
- ۲) هُم يركبون الطائرة للذهاب إلى مكة المكرمة!
- ۳) سأل عارف والده عن زمن الرجوع!
- ۴) تَمُرُ ذكرياتي أمامي عندما أرى الناس!
- ۵) أتدكرُ خيام الحجاج في منى و عرفات!
- ۶) العاز يقف فوق جبل مرتفع!

۵. جار و مجرور و نون وقایه (درس ۷ عربی دهم مشترک - درس ۸ عربی دهم انسانی)

یکی از مهم‌ترین حروف در زبان فارسی، حروف اضافه هستند مثل: از، به، در، بر، برای و... چنین حروفی نیز در زبان عربی داریم که به آن‌ها «حرف جرّ» می‌گویند. همان گونه که می‌دانید به اسمی که پس از آن‌ها می‌آید «متمم» می‌گویند. در عربی نیز به اسم پس از حرف جر، مجرور به حرف جر می‌گویند و به حرف جر و مجرور به حرف جر با هم «جار و مجرور» می‌گویند.



← در این درس با چند حرف جرّ مهم آشنا می‌شوید:

حرف جرّ	ترجمه در فارسی	مثال
مِنْ	از	أَرْجِعُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ ظَهْرًا. ← ظهر از مدرسه بر می‌گردم.
فِي	در	أَنَا أَجْتَهِدُ فِي حَيَاتِي. ← من در زندگیم تلاش می‌کنم.
إِلَى	به	ذَهَبْتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. ← به مدرسه رفتم.
	به سوی	ذَهَبْتُ إِلَى أَبِي. ← به سوی پدرم رفتم.
عَلَى	تا	قَرَأْتُ الدَّرْسَ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ. ← از صبح تا شب درس خواندم!
	روی	جَمَلْتُ كِتَابِي عَلَى الْمِنْضَةِ. ← کتابم را روی میز گذاشتم!
بِـ	بر	كَتَبْتُ عَلَى الْجِدَارِ حَدِيثًا. ← سخنی بر دیوار نوشتم!
	برای	لِمَاذَا رَجَعْتَ؟ ← برای چه برگشتی؟
لِـ	از آن (مال)	هَذَا الْكِتَابُ لِأَخِي. ← این کتاب مال برادرم است!
	داشتن	لِحَمِيدٍ جَوَّالٍ جَدِيدٍ. ← حمید تلفن همراه جدیدی دارد!
عَنْ	از	دَفَعْتُ عَنْكَ الْخَطَرَ. ← خطر را از تو دور کرد!
	درباره‌ی	مَاذَا تَعَلَّمُ عَنِ الدَّلَافِينِ؟ ← درباره‌ی دلفین‌ها چه می‌دانی؟
بِـ	بوسیله‌ی	كَتَبْتُ بِالْقَلَمِ! ← با مداد نوشتم!
	در	سَاعَدَكُمْ بِالْحَيَاةِ. ← شما را در زندگی یاری کرد!
كُـ	مانند	أَنْتَ كَالجَبَلِ فِي الْإِسْتِقَامَةِ ← تو در ایستادگی مانند کوه هستی!

☞ اسمی که پس از حرف جر می‌آید «مجرور» است!

نکته:

۲. اشکال الأفعال (باب‌های ثلاثی مجرد و مزید) درس ۳ و ۴ عربی دهم

غالب فعل‌ها در عربی دارای سه حرف اصلی هستند که به آنها ثلاثی (یعنی سه تایی) می‌گویند. اگر ماضی هو برای این فعل‌ها بدون حرف زائد باشد به آن ثلاثی مجرد و اگر حرف زائد داشته باشد به آن ثلاثی مزید می‌گویند.

حرف زائد ندارد ← ثلاثی مجرد ← رَجَعُ - شَبَّلُ - فُتِحَ - خَرَجَ ← گروه اول	فعل ماضی «هو» (سوم شخص مفرد)
حرف زائد دارد ← ثلاثی مزید ← اِسْتَرَجَعَ - اِسْتَقْبَلَ - اِنْفَتَحَ - تَخَرَّجَ ← گروه دوم	

باید بدانید که فعل‌های گروه دوم (ثلاثی مزید) دارای ۸ وزن بسیار معروف هستند:

هو أنت اسم (مفرد)

کاربرد	حروف زائد	مصدر (باب)	امر ماضر	مضارع	ماضی
متعدی کردن	أ	إفعال	أفعلْ	يُفَعِّلُ	أفَعَّلَ
	تکرار عین الفعل	تفعیل	فَعَّلْ	يُفَعِّلُ	فَعَّلَ
بیان مشارکت	الف	مُفاعلة	فاعِلْ	يُفَاعِلُ	فَاعَلَ
	ت - الف	تفاعُل	تفاعِلْ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلَ
اثرپذیری و لازم کردن	ت - تکرار عین الفعل	تَفَعُّل	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ
	إ - ت	إفتعال	إفْتَعِلْ	يَفْتَعِلُ	إفْتَعَلَ
	إ - ن	إنفعال	إنْفَعِلْ	يَنْفَعِلُ	إنْفَعَلَ
درخواست و طلب	إ - س - ت	إستفعال	إسْتَفْعِلْ	يَسْتَفْعِلُ	إسْتَفْعَلَ

مزید بزیاده
حرف واحد

مزید بزیاده
صرفین

مزید بزیاده
ثلاثه حرف

برای پیدا کردن باب یک فعل کافی است به جای سه حرف اصلی، «ف ع ل» بگذاریم و سپس هرچه بعد از لام الفعل آمد حذف کنیم. اگر فعل مضارع بود حرف اول را تبدیل به «ب» نمائیم و سایر حروف و حرکات را به حال خود می‌گذاریم. توجه داشته باشید اگر فعل مضارع نبود، تغییری در فعل نمی‌دهیم. اگر فعل ماضی بود حرکت آخر فتحه، اگر مضارع بود حرکت حرف آخر ضمه و اگر امر بود حرکت حرف آخر ساکن شود.

~~ع ا م~~
ف ع ل
تفعیل

~~ق ن گ ر ی ن~~
ب ی ت ف ع ل
و انفعال

~~ا ج ا س ن م~~
ا ف ع ل
انفعال